



Munich Personal RePEc Archive

Treasury Advisors And the problem of salary payment after constitutionalism

Mohamadi, Amin and Mirjalili, Seyed hossein

Institute for Humanities and Cultural Studies, Institute for
Humanities and Cultural Studies

18 February 2021

Online at <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/125767/>
MPRA Paper No. 125767, posted 16 Aug 2025 21:10 UTC

Treasury Advisers and Problem Payment of salaries after constitutionalism

Amin Mohammadi¹  | Seyed Hossein Mirjalili² 

¹. Corresponding Author Ph.D. of Economics, Faculty of Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zabol, Iran. E-mail: amin.mohammadi64@ut.ac.ir

². Associate Professor of Economics, Faculty of Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zabol, Iran. E-mail: h.mirjalili@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 18Feb2021 Received in revised form: 19July 2021 Accepted: 3Aug2021 Published online: 23Oct2021 Keywords: Ministry of Finance, Pay salaries, Constitutionalism, Treasury Advisers, Strike.	After the establishment of the constitutional system, the payment of salaries became a critical issue for the government. An examination of Ministry of Finance documents shows that the government was unable to pay salaries in a timely and complete manner due to financial bankruptcy, financial specialists were hired from the West. The most important policy pursued for hiring foreign advisors, they were chosen from governments other than Russia and Britain. advisors from Belgium, France, and the United States were hired by the Iranian government to regulate Iran's crisis-ridden financial system. ..., the traditional structure governing them changed completely. Of these three axes, the pay system was of particular importance, because since the time of Muzaffar al-Din Shah, the inability to pay had caused a crisis that was rapidly increasing in severity. This article seeks to answer the question of how the treasury advisers used to solve the issue of payroll, and finally, to what extent they were able to achieve their goals and those of the constitutional government, which was to organize the crisis-paying payroll system. The findings of this study show that in order to solve the issue of payment of salaries, these advisors tried to solve the issue of payments by prioritizing the payment of current salaries and reducing some salaries, by implementing the policy of increasing revenues and reducing government expenditures. Governors and disputes with finance ministers over powers prevented them from carrying out their actions.

Cite this article: Mohammadi, Amin & Mirjalili, Seyedhossein (2022). constitutionalism. *Journal of Historical Researches of Iran and Islam* vol 15. No 29. Pages 380-406. DOI: [10.22111/JHR.2021.36513.2988](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.36513.2988)



© Mohammadi, Amin & Mirjalili, Seyedhossein

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: [10.22111/JHR.2021.36513.2988](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.36513.2988)

مستشاران خزانه‌داری و مسئله‌ی پرداخت حقوق پس از مشروطه (۱۳۰۰-۱۲۹۰)

امین محمدی^۱ | سید حسین میرجیلی^۲

۱. دکتری تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: @ut.ac Amin.Mohammadi

۲. دانشیار گروه اقتصاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. رایانامه: abcdef@usb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پس از استقرار نظام مشروطه، پرداخت حقوق به یک مسئله‌ی بحرانی برای دولت تبدیل شد. بررسی اسناد وزارت مالیه نشان می‌دهد که دولت به دلیل خالی بودن خزانه، توانایی پرداخت کامل و به‌موقع حقوق‌ها را نداشت. هزینه‌های ناشی از جنگ‌های داخلی و نیز کاهش شدید درآمدهای مالیاتی از عوامل مهمی بود که مالیه‌ی قاجار را به ورطه‌ی ورشکستگی کشاند. دولت و مجلس تلاش بسیاری برای حل مشکلات ناشی از پرداخت حقوق‌ها به خرج دادند که یکی از آن‌ها اصلاح ساختار فرسوده‌ی وزارت مالیه بود. در یک اقدام مهم، در سال ۱۲۹۰، با تصویب مجلس شورای ملی، خزانه‌داری کل تشکیل شد تا زمام امور مالیه کشور را به دست گیرد. خزانه‌داری کل وظایف و اختیارات بسیاری داشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مسئولیت پرداخت تمامی هزینه‌های دولتی از جمله پرداخت حقوق‌ها بود. برای ریاست این اداره، طی یک بازه‌ی زمانی ده‌ساله، چهار مستشار خارجی به استخدام دولت درآمدند که حل مسئله‌ی پرداخت حقوق از چالش‌های اصلی هریک از آن‌ها بود. این مقاله تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که مستشاران خزانه‌داری چه تمهیداتی برای حل مسئله‌ی پرداخت حقوق انجام دادند؟ و در نهایت تا چه میزان توانستند به اهداف خود و دولت مشروطه، که همان ساماندهی وضعیت بحران‌زده پرداخت حقوق بود، دست پیدا کنند؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این مستشاران در راستای حل مسئله‌ی پرداخت حقوق بر سیاست‌های کوتاه‌مدت وصول مالیات‌های معوقه، کاهش حقوق‌ها و پرداخت حقوق‌های جاری تمرکز کردند و در نهایت بی‌ثباتی سیاسی ناشی از جنگ‌ها، کاهش درآمدهای مالیاتی، مداخله‌ی حکام ولایات در وصول مالیات‌ها و منازعه با وزرای مالیه بر سر حدود اختیارات مانع موفقیت آن‌ها در حل مسئله‌ی پرداخت حقوق‌ها شد.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲	
تاریخ نشر آنلاین: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱	
واژه‌های کلیدی:	
مشروطیت،	
وزارت مالیه،	
پرداخت حقوق،	
مستشاران خزانه‌داری،	
تحصن.	

استناد: محمدی، امین، میرجیلی، سید حسن (۱۴۰۰). مستشاران خزانه داری و مسئله‌ی پرداخت حقوق پس از مشروطه (۱۳۰۰ - ۱۲۹۰). پژوهش‌های تاریخی ایران و

اسلام، ۲۹ (۱)، ص ۳۸۰-۴۰۶.



DOI:10.22111/JHR.2021.36513.2988

© نویسندگان. امین محمدی و میرجیلی، سید حسن

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

پیش از مشروطیت پرداخت حقوق به کارکنان کشوری و لشکری روند نسبتاً ثابتی داشت. باوجود برخی مشکلات، عقب افتادن پرداخت حقوق‌ها مقطعی بود، به‌ویژه در دورانی که ثبات سیاسی حکم‌فرما بود - مثل دوران زمامداری ناصرالدین‌شاه - این مسئله کمتر اتفاق می‌افتاد و دولت اغلب حقوق‌ها را به‌موقع پرداخت می‌کرد. افزون بر ثبات سیاسی، تراز بودن عایدات و مخارج کشور از عوامل مهمی بود که باعث می‌شد سازوکار پرداخت حقوق بدون اشکال توسط مالیه انجام پذیرد. در اواخر دوره‌ی مظفرالدین شاه، به دلیل ضعف حکومت مرکزی و ریخت‌وپاش‌های شاه قاجار و صدراعظمش امین‌السلطان، آثار بحران در پرداخت حقوق نمایان شد و به نظر می‌رسد این وضعیت تأثیر زیادی در نارضایتی عمومی و گرایش برخی افراد به سمت مشروطه داشت؛ چراکه یکی از شروط متحصنین در حرم حضرت عبدالعظیم در مهاجرت صغرا، لغو سیاست کسر ۵۰۰ دینار از مواجب ارباب حقوق بود. پس از استقرار مشروطیت، اصلاح فوری ساختار مالیه در دستور کار دولت و مجلس قرار گرفت. استخدام متخصصانی از غرب برای انتظام مالیه در این راستا انجام گرفت. مهم‌ترین سیاستی که برای جذب مستشاران خارجی دنبال شد، استخدام آن‌ها از دولت‌هایی غیر از روسیه و انگلیس بود. در نتیجه مستشارانی از بلژیک، فرانسه و آمریکا به استخدام دولت ایران درآمدند تا به قول خودشان مالیه‌ی «عهد دقینوسی» و «قرون وسطایی» ایران را سروسامان دهند (شوستر، ۱۳۹۴، صص ۵۱ و ۲۰۷). مهم‌ترین مستشارانی که از آغاز مشروطیت تا پایان قاجار به استخدام دولت درآمدند به ریاست خزانه‌داری کل کشور منصوب شدند. این اداره در جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ ق/ خرداد ۱۲۹۰ ش، بر اساس قانون معروف به «۲۳ جوزا» تشکیل شد و اختیارات خزانه‌دار کل در این قانون به‌گونه‌ای تعیین شد که او را قدرتمندترین فرد تشکیلات مالیه و از جهاتی بالاتر از وزیر مالیه قرار می‌داد. از آنجایی که بر اساس قانون، خزانه‌داری کل مسئول پرداخت تمامی هزینه‌های دولتی بود، سامان دادن به اوضاع بحرانی پرداخت حقوق جزو وظایف ذاتی این اداره بود. اینکه این مستشاران در راستای حل این بحران چه عملکردی داشتند مسئله‌ی پژوهش پیش‌رو است. تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی عملکرد مستشاران خزانه‌داری، در زمینه حل مسئله‌ی پرداخت حقوق در دوره‌ی قاجار نپرداخته است. عموم آثار پژوهشی به‌صورت کلی، به عملکرد این مستشاران در مالیه ایران و نیز به مسائل سیاسی آن پرداخته‌اند.

از این دسته از پژوهش‌ها می‌توان به مقالاتی چون «استخدام مورگان شوستر آمریکایی و پیامدهای آن در ایران» اثر سید غنی افتخاری و «میلسپو و مستشاران مالی آمریکایی در ایران ۱۹۲۲-۱۹۲۷» اثر محمدقلی مجد اشاره کرد که به‌طور کلی شرحی از عملکرد این مستشاران ارائه کرده‌اند (افتخاری، ۱۳۸۲؛ قلی مجد، ۱۳۸۸). با عنایت به این موضوع، مسئله‌ای که این مقاله تلاش دارد به آن بپردازد، بررسی عملکرد مستشاران مالی در مواجهه با مسئله‌ی پرداخت حقوق و نتایج اقدامات آن‌ها در حوزه‌ی پرداخت حقوق است. روش مقاله برای پاسخ مسئله موردنظر روش اسنادی و تحلیل و بررسی اسناد تاریخی وزارت مالیه است.

مسئله‌ی پرداخت حقوق در دوره‌ی پیشامدرن

در دوره‌ی قاجار، حکومت به دلایل مختلفی به اشخاص حقوق پرداخت می‌کرد: در ازای خدمات، به‌عنوان تخفیف مالیاتی، نزدیکی با مقام سلطنت، از جهت وراثت، چون که دوسوم حقوق متوفی به وراث او می‌رسید و همچنین برای کسب مشروعیت، به کسانی که در زمره‌ی حامیان سلطنت بودند ازجمله روحانیون و معاریف ایالات و ولایات (مصدق، ۱۳۶۴، ص ۴۳؛ ساکما، ۱۴۲۹۵/۲۴۰/۱). در این دوره دو نوع حقوق به حقوق‌بگیران پرداخت می‌شد: حقوق شخصی، حقوق اداری. شخصی به حقوقی گفته می‌شد که با جابجایی فرد از شغلی به شغل دیگر یا انفصال از آن، هیچ تغییری در دریافت صورت نمی‌گرفت. این حقوق مدت نداشت و درواقع تا پایان عمر حقوق‌بگیر به وی پرداخت می‌شد. مانند حقوق شاهزادگان و علما و سادات (ساکما، ۲۳۲/۱۵۵۹). حقوق اداری نیز به حقوقی گفته می‌شد که دریافت‌کننده آن را در ازای خدمتی معین و در مدتی معین از دولت دریافت می‌کرد. تمامی کارکنان وزارتخانه‌ها و اداره‌های دولتی حقوق اداری دریافت می‌کردند. پیش از مشروطیت، جز در چند برهه‌ی کوتاه، مانند اواخر حکومت محمدشاه و اوایل دوره‌ی ناصرالدین‌شاه و کل دوره‌ی مظفرالدین‌شاه، روند پرداخت حقوق‌ها نسبتاً ثابت بود؛ یعنی حقوق‌بگیران هرچند به‌سختی، حقوقشان را درنهایت دریافت می‌کردند. عامل اصلی که در این دوران باعث می‌شد یک حکومت نتواند پرداخت حقوق‌ها را به‌موقع و کامل پرداخت کند افزایش مخارج نسبت به درآمدهای حکومت بود. در دوره‌ی محمدشاه و همزمان با صدارت حاجی میرزا آقاسی هزینه‌های ناشی از جنگ هرات، تعلل حکام ولایات در پرداخت مالیات‌ها

و صدور بی‌شمار برات‌های بلا وصول منجر به هم خوردن تراز درآمدها و مخارج و در نتیجه تعویق طولانی مدت حقوق‌ها شد (فلور، ۱۳۹۵، صص ۵۷۶-۵۷۷). اخلال در روند پرداخت حقوق‌ها همزمان با روی کار آمدن ناصرالدین‌شاه نیز ادامه داشت. باوجوداینکه بخشی از برنامه‌های اصلاحی امیرکبیر برای حل چالش‌های مالی و پرداخت حقوق‌ها بود (فلور، ۱۳۹۵، صص ۵۷۸-۵۷۹)، در نهایت پس مرگ او و صدارت میرزا آقاخان نوری نابسامانی در پرداخت حقوق‌ها کماکان چالش مهمی برای حکومت قاجار به شمار می‌رفت. میرزا آقاخان بسیاری از برنامه‌های امیرکبیر مانند قطع مستمری‌های بی‌حساب و کتاب درباریان را لغو کرد و برشمار موجب‌بگیران افزود و باعث شد تعادلی که امیرکبیر بین مخارج و درآمدها به وجود آورده بود به هم بخورد (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۴۳۱).

پس از چندین سال ثبات، با مرگ ناصرالدین‌شاه و روی کار آمدن مظفرالدین‌شاه، فرایند پرداخت حقوق بار دیگر مختل شد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۴۹). خزانه‌ای که ناصرالدین‌شاه طی پنجاه سال پرکرده بود در دوره‌ی پسرش به سرعت خالی شد. شواهد نشان می‌دهد، شاه جدید سوای سفرهای پرهزینه، در موارد متعددی از خزانه‌ی اندرون که محل نگهداری جواهرات سلطنتی بود برداشت کرده است. برای مثال:

- در سال ۱۳۱۴ قمری، چهار بار برای مصارفی چون هزینه‌های قشون، پرداخت طلب بانک شاهی و مصارف دولتی
- در سال ۱۳۱۵ حدود ۷۵ هزار اشرفی برای مصارف دولتی و ۴۵ هزار اشرفی برای پرداخت یکی از اقساط رژی
- در سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ نیز بیش از ۲۰۰ هزار اشرفی بابت پرداخت حقوق‌های دیوانی و طلب بانک شاهی (ساکما، ۲۹۵/۷۲۰۸).

مسئله‌ی پرداخت حقوق پس از مشروطه

وضعیت پرداخت حقوق پس از مشروطه شکل بحرانی به خود گرفت و منجر به اعتراضات و تحصن‌های گاه‌وبیگاه حقوق‌بگیران شد. به گونه‌ای که حکومت و به‌ویژه وزارت مالیه، بخش زیادی از انرژی خود را صرف فرایند پرداخت حقوق و مواجهه با حقوق‌بگیران می‌کرد. در بسیاری از اسناد وزارت

مالیه مربوط به سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۴ قمری شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد دولت پس از مشروطه با بحران پرداخت حقوق‌ها مواجه بوده است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌ی اول، ۱۳۲۵، جلسه‌ی ۱۷۴؛ ۱۳۳۳ ق، دوره‌ی سوم، جلسه‌ی ۶۱؛ ساکما، ۲۴۰/۴۴۵۰). بی‌ثباتی ناشی از جنگ‌های داخلی عامل اصلی خالی شدن خزانه و از بین رفتن تراز درآمدها و هزینه‌های دولت بود که درنهایت به ناتوانی در پرداخت حقوق‌ها منجر شد. جنگ‌های میان مشروطه‌خواهان و حامیان محمدعلی میرزا بین سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ قمری، درگیری‌های ناشی از جنگ جهانی اول در نقاط مختلف کشور بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ قمری که همزمان با آن قحطی و بیماری‌های واگیر بسیاری از نقاط کشور را در بر گرفت، و درنهایت جنبش‌های گریز از مرکز در مناطق مختلف کشور از جمله گیلان، آذربایجان، خراسان و خوزستان بین سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۴ قمری که منجر به کاهش درآمدهای دولتی و افزایش هزینه‌ها شد. لذا این مقاله برای فهم بیشتر این مسئله، دو نتیجه مهم جنگ‌های داخلی را موردبررسی قرار می‌دهد.

۱. کاهش درآمدهای دولتی

مخرب‌ترین اثری که بی‌ثباتی بر جای گذاشت تأثیر آن بر مالیه ایران بود. کاهش شدید درآمدها باعث شد دولت در پرداخت حقوق‌ها با مشکلات جدی روبه‌رو شود (ساکما، ۲۴۰/۴۴۵۰؛ ساکما، ۲۴۰/۵۵۹۴۱). در مناطقی که مستقیماً درگیر جنگ بودند، اراضی کشاورزی، باغات و دامداری از بین رفت و دیگر امکان وصول مالیات وجود نداشت. در مناطقی هم که مستقیم درگیر جنگ نبودند، به علت نبود قوای نظامی و ضعف دولت مرکزی در برقراری امنیت، اشرار سر برآورده و به دزدی و غارت دست می‌زدند. بنا بر گزارش‌های سال ۱۳۲۶ قمری اغلب نقاط کشور ناامنی حاکم بود. دریکی از این گزارش‌ها آمده است: «تمام نقاط کرمانشاه در عرض ماه مه به علت کارهای ایلات که یا مشغول غارت مسافری و یا جنگ مابین خود بودند خیلی مغشوش» است (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۲۱). درباره‌ی ولایت سیستان نیز گزارشی وجود دارد که از توقف وصول مالیات به دلیل نبود قوای نظامی حکایت دارد. بر اساس این گزارش تا اواخر سال ۱۳۲۶ قمری تنها یک‌چهارم مالیات‌های سیستان به خزانه واریز شده است (قاسمیان، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۴۳). در سال ۱۳۲۷ قمری هم تحت تأثیر واقعه‌ی

به توپ بسته شدن مجلس و انحلال آن توسط محمدعلی شاه، سراسر کشور درگیر جنگ و ناامنی بود (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۴۳۳-۵۴۰؛ استادوخ، ۱۳۲۷، کارتن ۱، پرونده‌ی ۶۰ ص ۱). گزارش‌های این سال نشان می‌دهد به دلیل اغتشاش حاکم بر ولایات هیچ مالیاتی وصول نمی‌شد و بخش زیادی از مالیات آن سال پیش از موعد مصرف‌شده بود (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۶۹۹).

در اواخر سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ قمری که همزمان با جنگ‌های میان طرفداران محمدعلی میرزا، شاه مخلوع و دولت مشروطه بود، به دلیل پرداخت نشدن حقوق نظمیه و امنیه و متفرق شدن آن‌ها، ناامنی در راه بندرعباس به کرمان باعث شد تجار فرش تجارت خود را متوقف کنند (ساکما، ۱۵۶۲۷/۲۴۰). در همین سال، مالیات کردستان نیز به دلیل اغتشاشات ناشی از حمله‌ی سالار الدوله وصول نشد (ساکما، ۱۵۶۲۷/۲۴۰). در یکی از گزارش‌های وزارت امور خارجه انگلیس، مربوط به سال ۱۳۳۰ قمری از اعزام قشون به ایالت کرمان به دلیل استنکاف خوانین محلی جیرفت و رودبار از پرداخت مالیات سخن به میان آمده است (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۷۲۵). در سال‌های درگیری کشور با منازعات جنگ جهانی اول نیز درآمدهای مالیاتی به شدت کاهش یافت و نظام پرداخت حقوق را تحت تأثیر قرار داد (ساکما، ۴۳۱۷/۲۴۰). برای مثال، در رمضان سال ۱۳۳۵ قمری، دراثنای جنگ جهانی اول، اشرار روستاهای اطراف گروس را غارت کردند. در نتیجه این غارت‌ها اهالی این ولایت از دادن مالیات به حکومت مرکزی خودداری می‌کردند (ساکما، ۵۲۸۲/۲۴۰). در شوال ۱۳۳۵ قمری نیز همین وضعیت در غرب کشور نیز حکم‌فرما بود (ساکما، ۵۲۸۲/۲۴۰). بنا بر گزارش مالیه کرمانشاهان، عشایر این منطقه تا سال ۱۳۳۶ قمری حدود ۸ سال مالیات نپرداخته‌اند (ساکما، ۲۵۴۳/۲۴۰). در یکی دیگر از گزارش‌های وزارت مالیه در سال ۱۳۳۵ قمری آمده است که بقایای مالیاتی ولایت خمسه به مدت پنج سال وصول نشده است (ساکما، ۱۰۹۸۶/۲۴۰). در گزارشی دیگر از مالیه‌ی گروس مربوط به ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۷ قمری اذعان شده است که امکان وصول مالیات از گروس به دلیل خرابی زراعت، قتل اهالی، غارت مزارع و خالی‌السکنه بودن بسیاری از روستاها وجود ندارد (ساکما، ۱۰۲۹۶۰/۲۴۰). در سال‌های پایانی حکومت قاجار، برخی اغتشاشات داخلی باعث کاهش درآمدهای کشور شد. دو نمونه از این وقایع، قیام جنگلی‌ها به رهبری میرزا کوچک خان و شورش سیمیتقو در آذربایجان بود.

در نتیجه‌ی این دو واقعه نیز بخش زیادی از درآمدهای مالیاتی کشور از بین رفت (ساکما، ۱۳۷۸۳/۰/۲۴۰؛ ساکما، ۱۳۷۷/۶۷۷/۲۴۰؛ ساکما، ۱۳۵۷/۱۵۵۷/۲۹۳).

۲. هزینه‌های ناشی از جنگ‌ها

دولت ناچار بود اندک درآمدهای مالیاتی که در این بازه‌ی زمانی وصول می‌کرد را صرف هزینه‌های فوق‌العاده‌ای کند که جنگ به بار آورده بود. برای نمونه، در سال ۱۳۳۹ قمری، با تصویب هیئت وزراء، سی هزار تومان برای مخارج یک‌ماهه‌ی اردوی نظامی قزوین و تأمین سوار و پیاده داوطلب اختصاص یافت (ساکما، ۱۳۷۶۶۴/۱۰/۲۴۰). در همین سال، بنا بر حکم هیئت وزراء ده هزار تومان جهت تأمین «جیره عرض راه اردوی بختیاری» که باید از اصفهان به سمت تهران حرکت می‌کردند بودجه‌ی چند هزارتومانی تعیین شد (ساکما، ۱۳۷۶۶۴/۱۰/۲۴۰). در ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۰ قمری، با تصویب هیئت وزراء ۲۸ هزار تومان برای پرداخت حقوق چهل‌روزه ۷۰۰ سوار به سرکردگی یفرم‌خان برای مقابله با قوای سالار الدوله شد (ساکما، ۱۳۷۶۲۷/۱۵/۲۴۰). همچنین در این سال، پنجاه‌هزار تومان نیز برای هزینه اردوی آذربایجان تخصیص یافت (ساکما، ۱۳۷۶۶۴/۱۰/۲۴۰). از سویی دیگر، بخش بسیاری از درآمدهای مالیاتی دولت صرف خرید مهمات از خارج برای استفاده در این جنگ‌ها می‌شد (ساکما، ۱۳۷۶۶۴/۱۰/۲۴۰). در رمضان ۱۳۳۰ قمری، به دلیل حمله‌ی برخی طوایف فارس به بندرعباس، دولت ۳۵۰ تفنگچی برای مقابله با آن‌ها اعزام کرد (ساکما، ۱۳۷۶۶۴/۱۰/۲۴۰). در نمونه‌ی دیگر، با تصویب هیئت وزراء، ۲۵ هزار تومان برای پرداخت حقوق یک‌ماهه اردوی غرب که شامل مجاهدان و بختیاری بود تخصیص یافت (ساکما، ۱۳۷۶۶۴/۱۰/۲۴۰). این هزینه‌ها در حالی انجام می‌شد که در این زمان، حقوق بسیاری از حقوق‌بگیران کمتر از ماهی ۵۰ تومان بود.

تشکیل خزانه‌داری کل در وزارت مالیه

در جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ ق/ خرداد ۱۲۹۰ ش، قانون «تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت ایران» معروف به «۲۳ جوزا» همزمان با دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی تصویب شد. مهم‌ترین بخش این قانون تشکیل خزانه‌داری کل به‌عنوان یکی از اداره‌های جدید وزارت مالیه بود. اختیارات خزانه‌دار کل در این قانون به‌گونه‌ای تعیین‌شده بود که آن را قدرتمندترین فرد تشکیلات مالیه و حتی بالاتر از وزیر

مالیه می‌کرد. برخی از مهم‌ترین این اختیارات بر اساس قانون ۲۳ جوزا به شرح زیر بود: «ماده‌ی اول: خزانه‌داری کل ممالک محروسه ایران مأمور نظارت مستقیم و واقعی تمام معاملات مالیاتی و پولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تفتیش و محاسبات تمام مخارج دولتی می‌باشد. ماده‌ی پنجم: خزانه‌داری کل مأمور نگاهداری خزانه مملکت است و هیچ‌یک از مخارج دولتی بدون امضاء (حوالجات مستقیم) و یا تصدیق او (در حوالجات اعتباری) پرداخته نخواهد شد. ماده‌ی ششم: خزانه‌دار کل نظامنامه‌هایی را که برای اجراء اصلاحات مالیاتی مذکوره در موارد فوق لازم است تدارک نموده و نظام‌های مذکوره بعد از آنکه به امضاء وزیر مالیه رسید و اعلان شد لازم الاجراء خواهد بود. ماده‌ی هشتم: تهیه‌ی بودجه‌ی مملکتی که باید از طرف دولت به مجلس پیشنهاد شود یکی از تکالیف خزانه‌دار کل خواهد بود و تمام وزارتخانه‌ها و مستخدمین دولتی مکلف هستند اطلاعاتی را که مشارالیه لازم دارد بلا تأخیر تهیه و تسلیم نمایند. ماده‌ی نهم: خزانه‌دار کل مکلف است هر نوع صرفه‌جویی که مقتضی باشد در مصارف و معاملات دولتی به عمل آورد و این‌یکی از تکالیف حتمیه اوست. ماده‌ی یازدهم: خزانه‌دار کل مطالعات لازمه را در اصلاح قوانین موجوده‌ی مالیه و ایجاد منابع جدید عایدات که مقتضی و صلاح و مناسب مملکت باشد می‌نماید که به‌توسط هیئت دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود» (ساکما، ۱۳۸۱/۲۴۰). همان‌طور که مفاد این قانون نشان می‌دهد خزانه‌دار کل مسئول اصلی اجرای سیاست‌های مالی و انتظام امور مالیه ایران بود و بودن تأیید او هیچ حواله حقوقی قابل پرداخت نبود. در نتیجه، حل مسئله‌ی پرداخت حقوق‌ها در حیطه‌ی وظایف خزانه‌داری بود. از آنجایی که در پی لغو قانون ۲۳ جوزا، قدرت خزانه‌داری به میزان زیادی کاهش یافت و محوریت خود را از دست داد، در این مقاله، بازه‌ی زمانی ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۵ مقارن ریاست مورگان شوستر، ژوزف مرنارد، مسیو هنسس و لئو در خزانه‌داری مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت عملکرد این اشخاص در مواجهه با مسئله‌ی پرداخت حقوق ارزیابی می‌شود.

۱. ویلیام مورگان شوستر (۱۳۲۹ ق)

مورگان شوستر (۲) آمریکایی مهم‌ترین فردی بود که پس از مشروطیت برای انتظام امور مالیه عمومی به استخدام دولت ایران درآمد. قرارداد او سه‌ساله و منصبی که برای او در نظر گرفته شد، «ریاست خزانه‌داری کل ممالک محروسه» بود (ساکما، ۱۱۹۴۶/۲۴۰). او در ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ ق/ فروردین ۱۲۹۰ ش، برای تصدی مقام خزانه‌داری کل به همراه چالز مکاسکی به‌عنوان مفتش عواید ایالات و ولایات، راف هیلز با سیمت محاسب و بروس دیکی با سیمت مفتش مالیات‌ها رهسپار ایران شد (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۵۴). شوستر که از همان ابتدا سه نفر از هم‌وطنان خود را برای همکاری با مالیه به ایران آورده بود، در ادامه نیز درخواست کرد چند آمریکایی دیگر به استخدام مالیه درآیند. بر این اساس، در رجب ۱۳۲۹ ق/ تیر ۱۲۹۰، هیئت وزرا پیشنهاد استخدام سه معاون جدید آمریکایی برای وزارت مالیه را تصویب کرد (ساکما، ۱۰۷۶۶۴/۲۴۰). اختیارات شوستر به‌موجب قانون «۲۳ جوزا» به صورتی بود که هرچند زیرمجموعه‌ی وزارت مالیه قرار می‌گرفت، اما درواقع او را بالاتر از وزیر مالیه قرار می‌داد. به نظر می‌رسد سران مشروطه از تجربه‌ی ناموفق استخدام ژاک بیزو (۳)، به‌عنوان مستشار مالیه درس گرفته بودند و اختیارات لازم برای انجام اصلاحات گسترده را به او دادند.

ورود شوستر به ایران و آغاز کار او با اعتصاب و تحصن برخی کارکنان دولت که حقوقشان به تعویق افتاده بود، همراه شد (روزنامه‌ی ایران نو، ۱۳۲۹ ق، شماره‌ی ۴۳، ص ۲؛ شماره‌ی ۶۵، ص ۳؛ شماره‌ی ۶۶، ص ۳). بنا بر گزارش‌ها، در یک نمونه، در جمادی‌الاول ۱۳۲۹ ق/ اردیبهشت ۱۲۹۰ ش، «فقیر محمدخان با سواره‌ی باخزری و سایر سلطان‌ها به‌واسطه‌ی نرسیدن حقوق هفت‌ماهه‌ی خود و زیادتی قرض در تلگراف‌خانه [ولایت سیستان] متحصن شده‌اند» (روزنامه‌ی ایران نو، ۱۳۲۹ ق، شماره‌ی ۵۳، ص ۳). خود شوستر نیز در یادداشت‌هایش تأکید کرده است که «تقریباً روزی نمی‌شد که اعتصابی در وزارتخانه‌ای سازمان‌دهی نشود» (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۸۷). چند نمونه از اعتراضات به عدم پرداخت حقوق کارکنان همزمان با ریاست شوستر بر خزانه‌داری به شرح زیر است:

- توپچیان، سربازان و سواران ساخلو قوچان (ساکما، ۱۵۶۲۷/۲۴۰).

- نیروهای قزاق در ساوجبلاغ (ساکما، ۵۲۸۹۴/۲۴۰).

- کارکنان اصطبل سلطنتی در پایتخت (ساکما، ۲۴۰/۴۸۷۶۱).

اما اقدامات شوستر برای حل مسئله‌ی پرداخت حقوق‌ها چه بود؟ مهم‌ترین اصلاحاتی که شوستر در مالیه ایران انجام داد در حوزه‌های کلان مالی و مالیاتی بود که غیرمستقیم بر پرداخت حقوق نیز اثر می‌گذاشت. از مهم‌ترین اقدامات او که منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شد و تأثیر بسیار زیادی بر پرداخت حقوق داشت، تشکیل یک قوه‌ی قهریه با استفاده از ژاندارم‌ها برای خزانه‌داری بود. ژاندارم‌های مالیه وظیفه داشتند خزانه را تقویت و به‌عنوان یک بازوی نظامی به مأموران مالیه به‌ویژه در ایالات و ولایات، برای وصول مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم کمک کنند (بشیری، ج ۵، ص ۱۱۰۳؛ ساکما، ۲۴۰/۷۳۷۸). پیش‌ازاین، مالیات ایالات و ولایات با اعزام قشون یا نیروهای ژاندارمری و بریگاد قزاق که تحت فرمان وزارت جنگ بودند، وصول می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۵۲۸۲). شوستر مجوز استخدام ۵۰۰ نیرو را برای ژاندارمری به دست آورد (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۱۰۵)، اما ظاهراً برنامه‌ی اصلی برای استخدام ۱۲ هزار نفر طراحی شده بود (عین‌السلطنه، ج ۵، ص ۳۵۴۴). او برای انتخاب اعضای ژاندارمری خزانه نیز مقررات خاص خود را تنظیم کرد. برای استخدام، داوطلبان باید تعهد می‌کردند مقررات را رعایت کنند، مطیع خزانه‌داری باشند و درنهایت یک شخص معتبر نیز باید آن‌ها را ضمانت می‌کرد (ساکما، ۲۴۰/۰۹۷۵۶۱). شوستر برای حل مسئله‌ی حقوق‌های معوقه که باعث اعتراضات گاه‌وبیگاه حقوق‌بگیران شده بود، طرح وصول مالیات‌های عقب‌افتاده را به اجرا درآورد. بر این اساس، شوستر تلاش کرد با استفاده از ژاندارم مالیه، بدون اغماض، مالیات‌های عقب‌افتاده را وصول و با اشخاصی که مالیات نمی‌دادند برخورد کند، برای مثال او توانست سپهدار تنکابی را که بیش از ۷۰ هزار تومان مالیات عقب‌افتاده داشت، ملزم کند مالیات عقب‌افتاده‌ی خود را بپردازد (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۲۱۸).

شوستر برخی اقدامات و سیاست‌های مختص حل مسئله‌ی پرداخت حقوق را نیز دنبال کرد. او نظام پرداخت حقوق را «نمونه‌ی چشمگیری از هرج‌ومرج عجیب مالی» می‌دانست که بخشی زیادی از آن میراث دوران پیش از مشروطه بود (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴). بر همین اساس، طرح «بازخريد مقررې‌ها» را به دولت پیشنهاد داد تا برای همیشه به این بحران خاتمه دهد که درنهایت به انجام

نرسید (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۲۲۵). یکی دیگر از اقدامات اساسی او حل مسئله‌ی پرداخت حقوق مأمورین سیاسی ایران در خارج از کشور بود. تا پیش از آن، حقوق سفرا به‌موقع نمی‌رسید و باعث فلاکت آن‌ها و بی‌اعتباری حکومت ایران شده بود (۵). با تلاش شوستر حقوق سفرا از طریق بانک شاهنشاهی پرداخت می‌شد و برای اولین بار در تاریخ، سفرای ایران در روزهای پایانی هرماه حقوق خود را دریافت می‌کردند (ساکما، ۱۰۲۳۰/۳۶۰؛ ساکما، ۲۹۲۱/۲۴۰). او برای نظام پرداخت حقوق مقرراتی تنظیم کرد و بر اجرای دقیق آن‌ها نظارت داشت. برای مثال در ۱۳۲۹ ق/ ۱۲۹۰ ش، زمانی که وزارت امور خارجه پیگیر پرداخت مقرری کارکنانش بود، شوستر از این وزارتخانه خواست بر اساس مقررات جدید درخواست‌نامه‌ی پرداخت حقوق‌ها که مشتمل بر صورت دقیق حقوق‌بگیران و میزان حقوق آن‌ها بود را تنظیم و به خزانه‌داری کل ارسال کند (ساکما، ۲۹۲۱/۳۶۰).

موضوع مهم دیگری که شوستر برای حل آن دست‌به‌کار شد بحث دریافت چند حقوقی کارکنان دولت بود. پیش از مشروطه، هر شخص می‌توانست چندین حقوق از حکومت دریافت کنند. حقوق شخصی و حقوق اداری رایج‌ترین حقوقی بود که حکومت قاجار پرداخت می‌کرد. حقوق شخصی به حقوقی گفته می‌شد که با جابجایی فرد از شغلی به شغل دیگر یا انفصال از آن، هیچ تغییری در دریافت صورت نمی‌گرفت. این حقوق مدت نداشت و درواقع تا پایان عمر حقوق‌بگیر به وی پرداخت می‌شد. مانند حقوق شاهزادگان و علما و سادات (ساکما، ۲۳۲/۱۵۵۹). حقوق اداری نیز به حقوقی گفته می‌شد که دریافت‌کننده آن را در ازای خدمتی معین و در مدتی معین از دولت دریافت می‌کرد. تمامی کارکنان وزارتخانه‌ها و اداره‌های دولتی حقوق اداری دریافت می‌کردند (ساکما، ۲۳۲/۱۵۵۹). در دوره‌ی شوستر، به کسانی که همزمان حقوق شخصی و حقوق اداری داشتند فقط حقوق اداری پرداخت می‌شد؛ کارکنان دولت تنها در صورتی می‌توانستند حقوق شخصی دریافت کنند که حقوق اداری‌شان کمتر از حقوق شخصی می‌بود (ساکما، ۲۹۲۱/۲۴۰). شوستر با اعمال تبعیض درباره‌ی این قانون به‌شدت مخالف بود. او با درخواست وزارت داخله مبنی بر پرداخت همزمان حقوق شخصی و حقوق اداری افراد مخالفت می‌کرد. برای مثال، زمانی که وزارت داخله از شوستر خواست هر دو حقوق شخصی و اداری ظهیرالدوله

حاکم تهران را پرداخت کند پاسخ داد «چون این مسئله مخالف با ترتیب معمول است خزانه‌داری کل نمی‌تواند هم حقوق حکومت و هم مواجب دیوانی ایشان را کارسازی دارد» (ساکما، ۲۶۱۶/ ۲۹۳)

از دیگر چالش‌های پس از مشروطه ایران این بود که برخی مودیان مالیاتی بخشی از مالیات خود را در ازای حقوق دیوانی خود پرداخت نمی‌کردند. این کار به‌ویژه پس از مشروطه و تعویق و کسر حقوق‌های دیوانی شدت گرفت. شوستر با این رویه نادرست مخالف بود و بر این باور بود که مالیات مقدم بر همه‌چیز است. در شوال ۱۳۲۹ ق/ مهر ۱۲۹۰ ش، زمانی که امین‌الدوله درخواست کرد مالیاتش در لشت نشاء را در ازای مواجب نپردازد، با مخالفت شوستر مواجه شد. باوجود سفارش وزارت مالیه مبنی بر بی‌ضرر بودن این کار، شوستر از قبول آن سرباز زد (ساکما، ۲۴۰/۶۶۹۵).

مورگان شوستر در راه اصلاحات خود با چند مانع اصلی مواجه بود. مشکل اصلی شوستر، اوضاع نامساعد سیاسی مقارن حضور او در ایران بود. واقعه‌ی بازگشت محمدعلی میرزا، شاه سابق، و ماجراجویی‌های سالارالدوله در حمایت از او، باعث کاهش درآمدهای مالیاتی و صرف بخشی از بودجه برای هزینه‌های ناشی از جنگ می‌شد. این وضعیت، بسیاری از طرح‌های شوستر برای انتظام مالیه و پرداخت حقوق را با مشکل مواجه کرد (ساکما، ۲۴۰/۱۵۶۲۷؛ استادوخ، ۱۳۲۹، کارتن ۲۴، پرونده‌ی ۴۷، ص ۲۰۸). مانع دیگر مستوفیان سنتی مالیه بودند که نظم جدیدی را که به‌واسطه‌ی حضور مستشاران حاکم شده بود، نمی‌پسندیدند و بر این باور بودند که مالیه باید بر اساس اصول سابق اداره شود و به تعبیری در روی پاشنه‌ی سابق بگردد (روزنامه‌ی ایران نو، ۱۳۲۹ ق، شماره‌ی ۴۵، ص ۱). در این زمان، خود شوستر از شایعه‌ی وجود «انجمن ضدآمریکایی» متشکل از مستوفیان در وزارت مالیه خبر داده است (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۸۷). در ادامه او به این نتیجه رسید که برخی مستوفیان در ظاهر از او و قوانین جدیدش اطاعت می‌کنند، ولی در عمل «عواید خود را به بانک‌هایی که وی تعیین کرده بود نمی‌دهند». شوستر به‌ناچار، با اخراج برخی از آن‌ها، با این کارشکنی‌ها مقابله کرد (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۲۱۱). مشکل دیگر شوستر، دخالت حکام ولایات در کار مباشرین مالیه و عدم همراهی برای وصول مالیات‌ها بود. پیش از مشروطه مسئولیت وصول مالیات‌های دیوانی بر عهده‌ی حکام ولایات بود و از این راه درآمدهای بسیاری نصیب آن‌ها می‌شد. پس از مشروطه بر اساس قانون این مسئولیت به

مباشرین و امنای مالیه واگذار شد تا مالیات را وصول و به خزانه واریز کنند. شوستر هم برای وصول مالیات‌ها با مقاومت حکام و خوانین متنفذ روبه‌رو بود، برای مثال، در یازده ذی‌قعدة‌ی ۱۳۲۹ ق/ آبان ۱۲۹۰ ش، از یازده هزار تومان مالیات شهرهای جام و سر جام خراسان تنها هشت‌صد تومان آن وصول شد (ساکما، ۲۹۳/۲۶۱۳). برخی از این حکام مالیات‌ها را بابت مخارجی چون حقوق خود مصادره می‌کردند و از واریز آن به خزانه سرباز می‌زدند (ساکما، ۲۹۳/۲۶۱۱). شوستر در نامه‌ای از وزارت داخله درخواست کرد مانع اخلال حکومت یزد در کار پیشکار مالیه این ولایت شود (ساکما، ۲۹۳/۲۶۱۰). با ادامه‌ی دخالت حاکم یزد و رئیس نظمیه‌ی این ولایت، شوستر خواستار تنبیه آن‌ها شد (ساکما، ۲۹۳/۲۶۰۹). در ذی‌قعدة‌ی ۱۳۲۹ ق/ آبان ۱۲۹۰ ش، شوستر از وزارت مالیه خواست با هماهنگی با وزارت داخله حکامی که در کار مباشرین مالی دخالت می‌کنند را برکنار کند تا سایر حکام رویه مقابله با مباشرین را کنار بگذارند (ساکما، ۲۴۰/۷۶۵۲). او با جدیت تمام با بدهکاران مالیاتی برخورد می‌کرد. املاک بدهکاران مالیاتی توقیف و بسیاری از بدهکاران زندانی می‌شدند (ساکما، ۲۹۳/۲۶۱۲). اما مانع اصلی شوستر، ژوزف مرنارد بلژیکی و دولت روسیه بود. شواهد حاکی از مخالفت دولت روسیه با استخدام شوستر است، به‌طوری‌که به گفته‌ی خود او، روس‌ها برای جلوگیری از این کار پیام تهدیدآمیزی برای آمریکایی‌ها ارسال کردند (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۵۳). در رجب ۱۳۲۹ ق/ تیر ۱۲۹۰ ش، بین مرنارد و شوستر مناقشه‌ای بر سر این که مدیرکل گمرکات یعنی مرنارد باید تحت نظر خزانه‌داری کل می‌بود، درگرفت. مرنارد درخواست کرده بود تمام وجوهات گمرکی در بانک‌های شاهی و استقراضی به حساب او واریز شود، درحالی‌که طبق قانون تمام حوالجات باید به امضای شوستر می‌رسید. درنهایت دولت به مرنارد اعلام کرد که او باید زیر نظر شوستر کار کند (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۱۰۲؛ شوستر، ۱۳۹۴، ص ۸۱). در این بین، روسیه علیه خزانه‌داری و به حمایت از مرنارد به دولت ایران اعتراض کرد (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۸۱). روس‌ها در قضیه‌ی تصمیم شوستر برای انتصاب ماژور استوکس انگلیسی به ریاست ژاندارمری خزانه نیز به شدت مخالفت کردند و درنهایت مانع از انجام آن شدند (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۵، صص ۱۱۰۳-۱۱۰۹). سرپرسی سایکس، مخالفت روسیه به انتصاب استوکس به ریاست ژاندارمری خزانه را شکست بزرگی برای شوستر دانسته است (سایکس، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۹۹). از سوی دیگر،

روس‌ها به بهانه‌های مختلف از جمله استفاده ضرابخانه از قاطرهای آساکور آساکوریانس تبعه روس، درخواست غرامت ۱۵ هزار تومانی به نام‌برده را داشتند و به این صورت به شوستر و دولت ایران فشار آوردند (ساکما، ۱۹۲/۳۶۰).

واقعه‌ی باغ شعاع السلطنه سرانجام بهانه‌ی کافی را به دست روسیه داد تا کار شوستر را یکسره کند. از آنجایی که شاهزاده شعاع السلطنه به نفع شاه مخلوع و بر ضد حکومت قیام کرده بود، شوستر تصمیم گرفت اموال او را توقیف و به نفع دولت مصادره کند. ژاندارم‌های خزانه‌داری به دستور شوستر و با حکم هیئت وزرا باغ شعاع السلطنه را مصادره کرد، اما نیروهای قزاق به دستور کنسولگری روس که شعاع السلطنه را مقروض بانک استقراضی می‌دانست، آن‌ها را از باغ بیرون کردند (ساکما، ۲۴۰/۷۶۳۶۳). روز بعد گروه دیگری از ژاندارم‌ها به باغ حمله و قزاق‌های روس را دستگیر کردند (سایکس، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۰۰). پس از این واقعه، روسیه مصمم به انجام اقدامی تلافی‌جویانه شد. در ذی‌حجه‌ی ۱۳۲۹ ق/ آذر ۱۲۹۰ ش، روسیه به ایران اولتیماتومی با سه محور اصلی داد: شوستر و لُکُفَر (۶) اخراج شوند، دولت ایران بدون هماهنگی دول روس و انگلیس کسی را استخدام نکند و غرامت لشکرکشی روسیه به ایران را بپردازد (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۶ ص ۱۲۶۹؛ شوستر، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳). باوجود مخالفت مجلس، سرانجام دولت مجبور به پذیرش اولتیماتوم و لغو قرارداد شوستر شد.

۲. ژوزف مرنارد (۱۳۳۰ - ۱۳۳۲ ق)

پس از انفصال شوستر از خزانه‌داری کل، در هفتم محرم ۱۳۳۰ ق/ دی ۱۲۹۰ ش، با تصویب هیئت وزرا، کمیسیونی متشکل از عمیدالحکماء، معاون وزارت مالیه، مرنارد، مدیرکل گمرکات، میرزایانس (۷) و ارباب کیخسرو تشکیل شد. این کمیسیون که ریاست آن را عمیدالحکماء بر عهده داشت، موظف بود تا تعیین تکلیف قطعی خزانه‌داری کل، تمام امور اداری آن از جمله امضای تمام حوالات دولتی و بررسی محاسبات خزانه‌داری را انجام دهد (ساکما، ۲۴۰/۱۰۷۶۶۴). گزینه‌ی اصلی جانشینی شوستر، ژوزف مرنارد بلژیکی، رئیس کل گمرکات کشور بود که موقتاً سرپرستی خزانه‌داری به او سپرده شد. در این زمان، روس‌ها از جانشینی مرنارد به جای شوستر حمایت می‌کردند (بشیری، ج ۷، ص ۱۵۰۲). به نظر می‌رسد ایران از این انتخاب رضایت نداشت و امیدوار بود انگلیس با انتخاب

مرنارد مخالفت کند. در صفر ۱۳۳۰ ق/ بهمن ۱۲۹۰ ش، حکومت ایران طی یک تلگراف رمز به لندن از تلاش مرنارد برای ریاست دائم بر خزانه‌داری و استخدام هشت نفر بلژیکی برای شعب مالیه و ضرابخانه به جای آمریکایی‌ها را به اطلاع انگلیسی‌ها رسانده و نظر این دولت را درباره‌ی آن جویا شده است (ساکما، ۳۶۰/۳۸۷). سرانجام در رجب ۱۳۳۰ ق/ تیر ۱۲۹۱ ش، ریاست مرنارد بر خزانه‌داری مسجل شد و بر اساس قانون «۲۳ جوزا» مبنی بر لزوم تعیین قطعی شخصی به مقام خزانه‌داری کل، احمدشاه طی فرمانی با پیشنهاد شورای وزرا و وزیر مالیه مبنی بر استخدام ژوزف مرنارد به‌عنوان خزانه‌دار کل ایران موافقت کرد و زمام امور مالیه را با تمام اختیاراتی که در قانون ۲۳ جوزا برای خزانه‌دار تعیین شده، به همراه ریاست بر کل گمرکات کشور را به او سپرد. حقوق پرداختی به مرنارد بر اساس این فرمان ۳۰ هزار فرانک در نظر گرفته شد (ساکما، ۲۹۳/۲۳۱۹).

مرنارد بلژیکی ازجمله مستشارانی بود که در زمان مظفرالدین‌شاه به ایران آمده بودند. او پس از مدتی به ریاست گمرکات رسید، یعنی جایی که پیش‌تر هم‌وطنش، مسیو نوز ریاست آن را به عهده داشت. ریاست مرنارد بر گمرکات به مدت چهار سال از سال ۱۳۲۵ آغاز و در سال ۱۳۲۹ قمری به مدت چهار سال دیگر تمدید شد (ساکما، ۲۴۰/۹۲۸۹۹؛ ساکما، ۲۴۰/۷۱۶۱؛ ساکما، ۲۴۰/۹۲۸۹۵؛ ساکما، ۲۴۰/۲۲۶۳۲). در اولین اقدام، در شعبان ۱۳۳۰ ق/ مرداد ۱۲۹۱ به درخواست مرنارد، هشت بلژیکی دیگر برای پست‌های معاونتی در خزانه به استخدام دولت ایران درآمدند (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۹۳۳). حقوق این افراد از سالی ده تا بیست هزار فرانک در سال بود (ساکما، ۲۴۰/۱۰۷۶۶۴). اوضاع پرداخت حقوق در دوره‌ی مرنارد نیز نامساعد بود و اعتراضات به تعویق حقوق‌ها گاه‌وبیگاه رخ می‌داد (ساکما، ۲۴۰/۷۰۵۴). برای مثال، در ذی‌قعدة‌ی ۱۳۳۰ ق/ مهر ۱۲۹۱ ش، گروهی از حقوق‌بگیران به دلیل کسر شدن مبلغی از حقوقشان در مسجد شاه اصفهان تحصن کردند (ساکما، ۲۹۳/۲۶۲۷). چند مورد از اعتراضات مربوط به تعویق حقوق در زمان ریاست مرنارد بر خزانه‌داری به شرح زیر است:

- قشون کرمان (ساکما، ۲۴۰/۱۵۶۲۷).

- سواران مستحفظ راه کاشان (ساکما، ۲۴۰/۱۵۶۲۷).

- سرباز و سوار مأمور سمنان (ساکما، ۱۵۶۲۷/۲۴۰).

- حکومت قزوین و اجزای آن (ساکما، ۷۰۵۴/۲۴۰).

- کارکنان وزارت معارف (ساکما، ۷۷۲۵۵/۲۴۰).

یکی از اقدامات مرنارد برای حل مسئله‌ی پرداخت حقوق‌های معوقه، اخذ وام یک‌میلیون و صدهزارتومانی از روس و انگلیس بود. مرنارد توانست با اخذ این وام، حقوق عقب‌افتاده‌ی محمدعلی میرزا، شاه مخلوع را نیز پرداخت کند (ساکما، ۴۰۱۰/۲۴۰). در این زمان، یکی از سیاست‌های کلی مالیه در دوره‌ی مرنارد کسر مبالغی از حقوق‌ها بود. میزان کسر از حقوق طی یک دستورالعمل کلی تعیین می‌شد و اغلب حقوق‌ها را تومانی ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ دینار می‌پرداختند (ساکما، ۷۰۵۱/۲۴۰). هرچند مرنارد را شخصی توصیه‌پذیر به‌ویژه از روس‌ها معرفی کرده‌اند، باین‌حال او با توصیه‌های وزارت مالیه برای پرداخت خارج از قانون به برخی حقوق‌بگیران مخالفت کرده است. برای مثال، در ۱۳۳۰ ق/ ۱۲۹۰ ش، وزارت مالیه از مرنارد درخواست کرد حقوق چند نفر از اشخاص متنفذ را به‌صورت کامل پرداخت کند که با مخالفت او همراه شد (ساکما، ۲۶۸۱/۲۴۰). شواهد نشان می‌دهد مرنارد چندین بار با بسیاری از توصیه‌های مربوط به پرداخت حقوق که از طرف وزارتخانه‌های مختلف انجام می‌شد مخالفت کرده است (ساکما، ۵۵۷/۲۴۰). مهم‌ترین اقدام مرنارد پس از ریاست بر خزانه‌داری، پرداخت حقوق‌ها بر اساس کتابچه‌ی مقطوعات بود. این کتابچه که کمیسیون مالیه آن را تنظیم و تصویب کرده بود، حقوق بسیاری از اشراف را حذف کرد و مستوفیان موظف بودند تمام حوالات حقوق را بر اساس آن صادر کنند (یکتایی، ۱۳۵۲، ص ۱۴۹). یکی دیگر از اقدامات او تأسیس اداره‌ی وظایف، برای رسیدگی و انتظام امور حقوق‌بگیران بود (یکتایی، ۱۳۵۲، ص ۱۶۹؛ ساکما، ۴۵۴۵۹/۲۴۰). وضعیت بحرانی عدم پرداخت حقوق قشون و ژاندارمری در دوره‌ی مرنارد تشدید شد. برای حل این معضل، سیاست‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت اتخاذ شد. در سیاست کوتاه‌مدت، مقرر شد یک‌سوم بقایای مالیاتی برخی ولایت و نیز مالیات عقب‌افتاده‌ی عشایر و منتفذین فارس به پرداخت حقوق کارکنان ژاندارمری اختصاص یابد. سیاست بلندمدت مرنارد تأمین بودجه برای حقوق‌بگیران بود. در دوره‌ی او مقرر شد درآمدهای مربوط به عوارض فروش تریاک به ژاندارمری اختصاص یابد تا از منبع آن حقوق کارکنان

پرداخت شود (ساکما، ۲۴۰/۷۰۷۸). در مسئله‌ی قشون که در دوره‌ی ریاست مرنارد بر خزانه‌داری یک تعویق چندماهه در پرداخت حقوق آن‌ها رخ داد، پیشنهاد کرد کمیسیونی از افراد مطلع از عسرت مالیه و اوضاع قشون تشکیل و مخارج آن برای پرداخت مشخص شود (ساکما، ۲۴۰/۲۰۳۳).

مرنارد نیز در زمان ریاست بر خزانه‌داری با موانعی مختلفی روبه‌رو شد که مانع از حل مسئله پرداخت حقوق بود. مهم‌ترین مانع پیامدهای جنگ نیروهای دولتی با طرفداران محمدعلی میرزا بود. پایان این جنگ مصادف با خالی شدن خزانه و ناتوانی از وصول مالیات‌ها بود. از سوی دیگر، کارشکنی حکام ولایات در قبال وصول مالیات‌ها و دخالت آن‌ها در کار مباشرین مالیه در دوره‌ی مرنارد نیز ادامه داشت (۲۴۰/۱۹). مرنارد نیز مانند شوستر با این دخالت‌ها به‌شدت مخالفت می‌کرد و زیر بار آن نمی‌رفت (ساکما، ۲۴۰/۷۰۱۳). در یک نمونه، در ذی‌قعدة ۱۳۳۱ ق / آبان ۱۲۹۱ ش، وزارت مالیه از خزانه‌داری خواست حقوق امین‌حضور را به‌جای اصفهان از مالیات تهران بپردازد. مرنارد با استناد به این قانون که عایدات هر محل باید به مخارج همان محل برسد با این درخواست مخالفت کرد (ساکما، ۲۴۰/۲۷۳). مکاتبات وزارت مالیه نشان می‌دهد که مرنارد در امور مربوط به پرداخت حقوق موفقیتی کسب نکرد و بیشتر اقدامات او در جهت مخالفت با تصمیمات وزارت مالیه بوده است (ساکما، ۲۴۰/۰۰۲۶۸۱؛ ساکما، ۲۴۰/۷۸). مرنارد در طول دوران خدمتش در خزانه‌داری کل تلاش کرد دست‌کم در مواردی که به دولت ایران مربوط می‌شد اقتدار و استقلال شوستر را از خود نشان دهد (ساکما، ۲۴۰/۳۱۲۰). درنهایت نیز این تفکر منجر به استعفای او از ریاست خزانه‌داری شد. در محرم ۱۳۳۰ ق / دی ۱۲۹۰ ش، او در نامه‌ای خطاب به وزارت امور خارجه به عدم همکاری اداره محاسبات وزارت امور خارجه با نماینده‌ی خود، مسیو دوکرکر و ممانعت رئیس این اداره در حسابرسی عایدات اداره تذکره به‌شدت اعتراض کرد (ساکما، ۲۴۰/۷۸۴۷). به نظر می‌رسد درگیری با وزارت خارجه بر سر حسابرسی اداره تذکره سرانجام منجر به استعفای مرنارد از خزانه‌داری شده است (ساکما، ۳۶۰/۱۶۵۷). برخی بر این باور بودند، اختیاراتی که قانون ۲۳ جوزا برای شوستر در نظر گرفته بود با انتقال به مرنارد، خسارت‌های زیادی برای کشور به بار آورد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌ی چهارم، ۱۳۴۰ ق، جلسه‌ی ۳۴).

۳. مسیو هِنسنس و مسیو لُو (۱۳۴۰-۱۳۳۲ ق)

پس از استعفای مرنارد، کمیسیونی متشکل از کسانی مثل مصدق السلطنه، آقا میرزا کیخسرو، معاون الدوله و حکیم‌الملک مسئول رسیدگی به حساب مرنارد در مدت‌زمان ریاستش بر خزانه‌داری شدند (ساکما، ۲۴۰/۷۸۴۷). در این زمان دولت ایران به ادامه‌ی ریاست بلژیکی‌ها بر خزانه‌داری رضایت داد. سوای حمایت روس‌ها از بلژیکی‌ها، از آنجایی که بسیاری از مستشارانی که در زمان مرنارد به استخدام مالیه درآمده بودند بلژیکی بودند، برای دولت به صرفه‌تر بود تا به همکاری آن‌ها ادامه دهد. بر این اساس، پس از مرنارد، مسیو هِنسنس (۸) کفالت خزانه‌داری کل را بر عهده گرفت. او نیز از جمله بلژیکی‌هایی بود که مدتی قبل از آن برای کار در گمرکات استخدام شد. ریاست هِنسنس بر خزانه‌داری مدت زیادی طول نکشید. اختلافات با وزارت مالیه بر سر قانون جدید تشکیلات مالیه منجر به استعفای او خزانه‌داری شد (سپهر، ۱۳۳۶، ص ۳۳۱). هِنسنس پس از استعفاء چند سال دیگر ریاست کل گمرکات را بر عهده داشت (ساکما، ۲۴۰/۲۷۲۴). پس از او، مسیو لُو (۹) بلژیکی در سال ۱۳۳۲ ق/ ۱۲۹۱ ش، بر اساس قانون تشکیلات وزارت مالیه، از طرف وثوق‌الدوله وزیر وقت مالیه برای تصدی ریاست خزانه‌داری کل به هیئت وزرا معرفی شد (ساکما، ۲۴۰/۱۱۶۹؛ ساکما، ۲۴۰/۰۰۴۵۹۰). اوضاع مالیه در دوره‌ی مسیو لُو بسیار نامساعد بود. وقوع جنگ جهانی اول و پیامدهای ناشی از آن خسارت زیادی به مالیه ایران وارد آورد. مثل همیشه، جنگ منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی و افزایش هزینه‌های فوق‌العاده شد. وضعیت مالیه به حدی اسفناک بود که وزارت مالیه توانایی پرداخت حقوق کارکنان مالیه و نیز تأمین لباس برای ژاندارم‌های تحت امر خود را هم نداشت (ساکما، ۲۴۰/۰۰۴۵۹۰؛ ساکما، ۲۴۰/۰۰۲۶۸۹؛ ساکما، ۲۴۰/۰۵۱۶۳۱). او نیز مانند شوستر و مرنارد تلاش کرد نیروهای جدید اروپایی برای خزانه‌داری استخدام کند. به همین منظور در گزارشش به وزارت مالیه، از کیفیت کارکنان ایرانی ابراز نارضایتی کرد (سپهر، ۱۳۳۶، ۲۱۹). لُو در بدو ورود به خزانه‌داری تقسیمات جدیدی در اداره‌های مالیه به وجود آورد که با موافقت وزارت مالیه شد (ساکما، ۲۴۰/۱۱۶۹).

عموماً لُو اختیارات و اقتدار شوستر و مرنارد را نداشت. یکی از چالش‌های مهمی که در زمان او گریبان گیر مالیه شد، ناتوانی از وصول مالیات‌ها بود (ساکما، ۲۴۰/۷۰۱۶). هم‌زمان به دلیل کاهش

اختیارات و این که لלו را رئیس خزانه می‌خواندند، بین وزارت مالیه و او اختلافاتی رخ داد و تا جایی پیش رفت که للو بسیاری از حوالجات وزارت مالیه را امضا نمی‌کرد یا ایرادهای زیادی بر آنها وارد می‌آورد. سرانجام در جمادی‌الاول ۱۳۳۴ ق/ فروردین ۱۲۹۵ ش، مسیو للو باهدف کسب اختیاراتی که قانون به شوستر داده بود، از سمت خود استعفا داد و وزارت مالیه نیز با قبول استعفا، مسیو هنسنس، رئیس گمرکات را مجدداً به ریاست خزانه‌داری منصوب کرد (سپهر، ۱۳۳۶، ص ۳۳۲). بعد از لغو قانون ۲۳ جوزا، خزانه‌داری کل قدرت و نفوذ خود را از دست داد و بیشتر فرمان‌بردار و انجام دهنده‌ی اوامر وزیر مالیه بود. یکی از اقدامات مهم هنسنس، ریاست در کمیسیون مختلط مالیه بود. این کمیسیون متشکل از افرادی چون امین‌الدوله، سردار معظم و نمایندگان روس و انگلیس در جمادی‌الآخر ۱۳۳۴ ق/ اردیبهشت ۱۲۹۵ ش، به‌منظور نظارت بر مصرف وام‌هایی که دول روس و انگلیس تحت عنوان موراتوریوم (۱۰) به ایران می‌دادند، تشکیل شد (سپهر، ۱۳۳۶، ص ۳۴۸). هنسنس در زمان ریاست این کمیسیون مسئول تعیین میزان پرداخت حقوق به کارکنان وزارتخانه‌ها بود (ساکما، ۲۴۰/۳۰۶۲۴).

پیش از استخدام میلسپو، در ذی‌حجه ۱۳۴۰ قمری، همزمان با صدارت مهدی قلی خان هدایت، مستر مکاسکی (۱۱) به کفالت ریاست کل مالیه منصوب شد (اتحاد، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳). مکاسکی از همراهان شوستر بود که ریاست محاسبات را بر عهده داشت و او تنها آمریکایی بود که بعد از اولتیماتوم روسیه برای حسابرسی نهایی در ایران ماند (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۶۱). عموماً افرادی که پس از مرئوس به ریاست خزانه‌داری رسیدند زیر نفوذ وزارت مالیه قرار داشتند و بسیاری از تصمیمات کلان مالیه با نظر وزرای مقتدر این وزارتخانه همچون وثوق‌الدوله انجام می‌گرفت.

جدول شماره ۱: اقدامات مستشاران خزانه‌داری کل برای حل مسئله‌ی پرداخت حقوق

- تشکیل ژاندارم خزانه‌داری - اختصاص مالیات‌های عقب‌افتاده برای پرداخت حقوق معوقه - طرح باز خرید مقرری‌ها - حل معضل پرداخت حقوق سفر - لغو پرداخت چند حقوق به حقوق بگیران	مورگان شوستر
- اخذ وام از روس و انگلیس - کسر مبالغی از حقوق‌های دیوانی - پرداخت حقوق‌ها بر اساس کتابچه‌ی مقطوعات - تأسیس اداره وظایف برای رسیدگی به امور حقوق‌بگیران - اختصاص مالیات‌های عقب‌افتاده برای پرداخت حقوق معوقه - اختصاص عوارض فروش تریاک برای پرداخت حقوق ژاندارمری	ژوزف مرنارد
- تغییر در تشکیلات وزارت مالیه - استخدام نیروهای خارجی به جای مستوفیان ایرانی - اخذ وام برای پرداخت حقوق‌ها	هنسنس و لئو

جدول شماره ۲: موانع مستشاران خزانه‌داری کل برای حل مسئله‌ی پرداخت حقوق

-- کاهش درآمدهای مالیاتی و افزایش هزینه‌های فوق‌العاده دولت به دلیل جنگ -- کارشکنی مستوفیان سنتی -- دخالت حکام ولایات در کار مباشرین مالیه -- استتکاف حکام و خوانین منتفذ از پرداخت مالیات -- کارشکنی‌های ژوزف مرنارد -- کارشکنی دولت روسیه	مورگان شوستر
- خزانه‌ی خالی ناشی از جنگ - چالش‌های متعدد با دولت - دخالت حکام ولایات در کار مباشرین مالیه - کاهش اختیارات خزانه‌داری کل	ژوزف مرنارد
- کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌ها به دلیل جنگ جهانی - اختلاف با وزیر مالیه بر سر قانون جدید وزارت مالیه - کاهش اختیارات خزانه‌داری کل - ناتوانی در وصول مالیات‌ها	هنسنس و لئو

نتیجه

اوضاع بحرانی پرداخت حقوق که از اواخر دوره‌ی مظفری آغاز شد، در دوران مشروطه به اوج خود رسید و اعتراضات پی‌درپی حقوق‌بگیران، دولت و مجلس مشروطه را مجاب کرد سیاست‌های مختلفی برای حل این بحران به کار برند. یکی از عوامل مهم ایجاد بحران در پرداخت حقوق بهم‌خوردن تراز درآمدها و هزینه‌های دولت بود. دولت و مجلس مشروطه برای حل مشکلات مالی، اصلاح ساختار وزارت مالیه را در دستور کار قراردادند. تشکیل اداره‌های جدید از جمله راهکارهای وزارت مالیه برای انتظام امور مالی کشور بود. در رأس این اداره‌ها خزانه‌داری کل تشکیل شد. خزانه‌دار کل بر اساس اختیاراتی که قانون برای او تعیین کرده بود مسئول اصلی انتظام امور مالیه و به تبع آن مسئول حل مسئله‌ی پرداخت حقوق بود. مستشارانی که برای ریاست بر خزانه‌داری کل استخدام شدند هرکدام سیاست کلان افزایش درآمدها و کاهش مخارج دولتی را دنبال کردند. آن‌ها در کنار اجرای این سیاست که منجر به متعادل شدن تراز درآمدها و هزینه‌ها می‌شد، به صورت مستقیم با اجرای سیاست‌های متمرکز تلاش کردند مسئله‌ی بحرانی به وجود آمده برای پرداخت حقوق‌ها را حل و فصل کنند. تمرکز بر وصول مالیات‌های معوقه، حذف و کاهش حقوق‌ها، کسر موقتی میزان حقوق‌ها، اولویت دادن به پرداخت حقوق‌های جاری کارکنان کشوری و لشکری از جمله سیاست‌هایی بود که برای حل مسئله‌ی پرداخت حقوق اجرا شد. مورگان شوستر آمریکایی در مقایسه با سایر مستشاران عملکرد بهتری در حل مسئله پرداخت حقوق‌ها داشت. حل مشکل پرداخت حقوق سفر و وصول مالیات‌های عقب‌افتاده و پرداخت تدریجی حقوق‌های معوقه از جمله موفقیت‌های شوستر بود. در نهایت، برخی موانع پیشروی خزانه‌داران باعث مسئله‌ی پرداخت حقوق تا سال‌های پایانی حکومت قاجار کماکان حل نشده باقی ماند. اوضاع نابسامان سیاسی یعنی مقارن شدن انجام اصلاحات مالی با جنگ‌های داخلی و خارجی، دخالت‌های گاه‌وبیگاه حکام ولایات در امر وصول مالیات‌ها، دخالت‌های دول غربی به‌ویژه روسیه تزاری، اختلافات میان خزانه‌داران و وزرای مالیه بر سر حدود اختیارات و مهم‌تر از همه خزانه‌ی خالی دولت که نتیجه‌ی اوضاع سیاسی و اقتصادی کل کشور بود منجر به عدم موفقیت مستشاران خزانه‌داری در حل مسئله‌ی پرداخت حقوق شد.

پی‌نوشت

^۱. در سال ۱۳۲۲ قمری، جمع‌وخرج کل ممالک محروسه ۷ کرور و ۵۵ هزار و ۴۲۹ تومان و ۷۱۹۰ دینار بود و از این میزان، ۳ کرور و ۱۲۴ هزار و ۹۸۰ تومان و ۹۱۲ دینار به هزینه‌ی پرداخت حقوق اختصاص داشت (ساکما، ۲۳۲/۲۴۳۸).

^۲. W.gggg aS Stttt ۲r

^۳. Jaaaa Bzztt

^۴. ژاندارمری خزانه در خردادماه سال ۱۳۰۰ شمسی منحل شد و بیشتر اعضای آن اخراج شدند (ساکما، ۲۳۰/۰۱۲۰۹۱).

^۵. سرگذشت تأثرانگیز و درعین‌حال افتضاح‌آور (از زندگی میرزا ملکم خان)، مجله‌ی یاد، شماره‌ی ۷۳ و ۷۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۶۹-۷۸.

^۶. یکی از مستشاران انگلیسی مالیه

^۷. مدیر و مترجم قشونی یفرم خان

^۸. Heynssens

^۹. Lolcux

^{۱۰}. موراتوریم یا استمهال قراردادی بود که بابت بازپرداخت بدهی‌های ایران به دول روس و انگلیس مهلت می‌داد و این دول متعهد بودند ماهیانه حدود ۱۶۰ هزار تومان از درآمدهای گمرک که پیش‌ازاین بابت بدهی وام‌ها کسر می‌شد به ایران بپردازند.

^{۱۱} - McCaskey

فهرست منابع و مطالعات

الف: اسناد تاریخی

اسناد سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران (ساکما)، شناسه‌ی سند ۲۳۰/۹۶۰۰

ساکما، ۲۳۲/۱۵۵۹

ساکما، ۲۴۰/۰۰۲۶۸۱

ساکما، ۲۴۰/۰۰۲۶۸۹

ساکما، ۲۴۰/۰۰۴۵۹۰

ساکما، ۲۴۰/۰۰۴۵۹۰

ساکما، ۲۳۰/۰۱۲۰۹۱

ساکما، ۲۴۰/۰۵۱۶۳۱

ساکما، ۲۴۰/۰۹۶۷۵۶

ساکما، ۲۴۰/۰۹۷۵۶۱

ساکما، ۲۴۰/۱۰۷۶۶۴

ساکما، ۲۴۰/۱۱۲۰۸

ساکما، ۲۴۰/۱۱۶۹

ساکما، ۲۴۰/۱۱۹۴۶

ساکما، ۲۴۰/۱۵۶۲۷

ساکما، ۲۴۰/۱۶۴۶۸

ساکما، ۲۴۰/۱۹

ساکما، ۲۴۰/۲۰۳۳

ساکما، ۲۴۰/۲۰۵۸۱

ساکما، ۲۴۰/۲۲۶۳۲

ساکما، ۲۹۳/۲۳۱۹

ساکما، ۲۴۰/۲۳۹۲

ساکما، ۲۴۰/۲۵۲۵

ساکما، ۲۴۰/۲۶۸۱

ساکما، ۲۴۰/۲۷۲۴

ساکما، ۲۴۰/۲۷۳

ساکما، ۳۶۰/۲۹۲۱

ساکما، ۲۴۰/۳۰۶۲۴





- ساکما، ۲۴۰/۳۱۲۰
 ساکما، ۲۴۰/۳۲۵۸
 ساکما، ۲۴۰/۳۷۳۹
 ساکما، ۲۴۰/۳۸۰۶۹
 ساکما، ۲۴۰/۴۰۱۰
 ساکما، ۲۴۰/۴۵۴۵۹
 ساکما، ۲۴۰/۴۸۷۶۱
 ساکما، ۲۴۰/۵۲۸۲
 ساکما، ۲۴۰/۵۲۸۹۴
 ساکما، ۲۴۰/۵۳۲۳۵۸
 ساکما، ۲۴۰/۵۵۷
 ساکما، ۲۴۰/۶۶۹۵
 ساکما، ۲۴۰/۷۰۱۳
 ساکما، ۲۴۰/۷۰۱۶
 ساکما، ۲۴۰/۷۰۵۱
 ساکما، ۲۴۰/۷۰۵۴
 ساکما، ۲۴۰/۷۰۷۸
 ساکما، ۲۴۰/۷۱۶۱
 ساکما، ۲۴۰/۷۳۷۸
 ساکما، ۲۴۰/۱۵۶۲۷
 ساکما، ۲۴۰/۱۰۸۱۲۲
 ساکما، ۲۴۰/۷۶۳۶۳
 ساکما، ۲۴۰/۷۶۵۲
 ساکما، ۲۴۰/۷۷۲۵۵
 ساکما، ۲۴۰/۷۸
 ساکما، ۲۴۰/۷۸۴۷
 ساکما، ۲۴۰/۸۹۵۳
 ساکما، ۲۴۰/۹۲۸۹۵
 ساکما، ۲۴۰/۹۲۸۹۹
 ساکما، ۲۴۰/۲۹۲۱

ساکما، ۲۹۳/۲۶۰۹

ساکما، ۲۹۳/۲۶۱۰

ساکما، ۲۹۳/۲۶۱۱

ساکما، ۲۹۳/۲۶۱۲

ساکما، ۲۹۳/۲۶۱۳

ساکما، ۲۹۳/۲۶۱۶

ساکما، ۲۹۳/۲۶۲۷

ساکما، ۳۶۰/۱۶۵۷

ساکما، ۳۶۰/۱۹۲

ساکما، ۳۶۰/۳۸۷

ساکما، ۳۶۰/۱۰۲۳۰

ب: کتاب‌ها

بشیری، احمد (۱۳۶۳). کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه‌ی وزارت امور خارجه‌ی انگلیس درباره‌ی انقلاب مشروطه‌ی ایران. ۸ جلد، (چ ۲). تهران: نشر نو

دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). حیات یحیی. ۴ جلد، تهران: انتشارات عطار.

سالور عین‌السلطنه، قهرمان‌میرزا (۱۳۷۴). روزنامه‌ی خاطرات، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، ۱۰ جلد، تهران: نشر اساطیر.

سایکس، سرپرسی (۱۳۸۰). تاریخ ایران، ترجمه‌ی سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، چ ۷، تهران: افسون. سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶). ایران در جنگ بزرگ، تهران: چاپخانه‌ی بانک ملی ایران.

شوستر، مورگان (۱۳۹۴). اختناق ایران. ترجمه‌ی حسن افشار. تهران: نشر ماهی.

کسروی، احمد (۱۳۸۳). تاریخ هجده‌ساله‌ی آذربایجان (چ ۲۱). تهران: امیرکبیر.

مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی دوران قاجار)، ۳ جلد، تهران: انتشارات زوار.

میلسپو، آرتور (۱۳۵۶). مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه‌ی حسین ابو ترابیان، تهران: پیام

یکتایی، مجید (۱۳۵۲). تاریخ دارایی ایران، تهران: کتاب‌فروشی دهخدا، (چ ۳).

ج: مشروح مذاکرات

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌ی چهارم، ۱۳۴۰ ق، جلسه‌ی ۳۴

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌ی چهارم، ۱۳۰۱ ش، جلسه‌ی ۱۶۸

د: مقالات

- اتحاد، سید کاظم، تاریخچه‌ی مستشاران آمریکایی در ایران، یاد، شماره‌ی ۷۳ و ۷۴، سال ۱۳۸۳، صص ۱۵۷-۱۶۴.
- سرگذشت تأثرانگیز و درعین حال افتضاح‌آور (از زندگی میرزا ملکم خان)، مجله‌ی یاد، شماره‌ی ۷۳ و ۷۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۶۹-۷۸.
- سید غنی، افتخاری (۱۳۸۲). استخدام مورگان شوستر آمریکایی و پیامدهای آن در ایران، فصلنامه‌ی تاریخ روابط خارجی، شماره‌ی ۱۷، زمستان ۱۳۸۲، صص ۷۷-۱۰۴.
- قلی مجد، محمد (۱۳۸۸). میلسپو و مستشاران مالی آمریکایی در ایران، فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی، شماره‌ی ۲۷، زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۰-۷۹.

ه: مطبوعات

- روزنامه‌ی ایران نو، ۱۳۲۹ ق، شماره‌ی ۴۳؛ شماره‌ی ۴۵؛ شماره‌ی ۵۳؛ شماره‌ی ۶۱؛ شماره‌ی ۶۲.
- روزنامه‌ی ایران، ۱۳۴۰ ق، شماره‌ی ۱۱۸۵؛ شماره‌ی ۱۱۹۰؛ شماره‌ی ۱۱۹۳؛ شماره‌ی ۱۲۶۵؛ شماره‌ی ۱۲۹۵.
- روزنامه‌ی ایران، ۱۳۴۱ ق، شماره‌ی ۱۲۴۵؛ شماره‌ی ۱۲۵۰.
- روزنامه‌ی ایران، ۱۳۴۲ ق، شماره‌ی ۱۵۷۴؛ شماره‌ی ۱۶۱۲.
- روزنامه‌ی شفق سرخ، ۱۳۴۱ ق، شماره‌ی ۹۵.
- روزنامه‌ی کوشش، ۱۳۴۱ ق، شماره‌ی ۱۴؛ شماره‌ی ۷۲.
- روزنامه‌ی کوشش، ۱۳۴۲ ق، شماره‌ی ۹.
- روزنامه‌ی اقدام، ۱۳۴۲ ق، شماره‌ی ۱۱۱.